

سید محمدجواد مهری

پاسداران بزرگ اسلام

علائم مجلسی

۱۸

آثار علامه مجلسی:

علامه مجلسی دانشمندی پرمایه و فقیهی دریا آسا و محدثی بلند مرتبه و دانشمندی سترگ و پستوای دین و دنیای مردم بود. در علوم گوناگون دست داشت و در فقه و حدیث سرآمد دیگران بود. بزرگترین و والاترین خدمتی که علامه به اسلام و تشیع نمود گردآوری حدیث و اخبار اهل بیت عصمت و طهارت ((ع)) در دائرة المعارفی بزرگ بنام "بحار الانوار" بود. او در علوم مختلف اسلامی بحث و تحقیق کرده است و تنها کتاب "مرآة العقول" وی را اگر دانش پژوهان مطالعه کنند، کافی است که قدر و منزلت علامه برای آنان آشکار شود، ولی آن بزرگوار به تالیف کتابهایی در فقه و اصول و رجال و عقاید و ادعیه و علوم قرآنی بسنده نکرد، بلکه خواست تا احادیث رسول اکرم ((ص)) و ائمه معصومین ((ع)) را از کتابهای گوناگونی که شرایط زمان آنها را از دسترس مردم دور کرده بود، در یک کتاب جامع و بزرگی جمع کند، بدون اینکه قصد تحقیق در باره آنها را داشته باشد، از این رو در گوته و کسار بحار الانوار به روایتهای ضعیفی نیز برخورد می‌کنیم که دلیلی بر ضعف مؤلف نیست. البته برخی از روایات را شاید ما نتوانیم درک کنیم، لذا نباید هرچه به عقل خود ناقص دیدیم، ناقص بخوانیم.

نظر امام در باره بحار:

در این باره، خوب است نظر امام خمینی رهبر عزیز انقلاب را در باره بحار الانوار بدانیم: امام چنین می‌فرمایند:

"کتاب بحار الانوار که تالیف عالم بزرگوار، و محدث عالم‌المقدار محمد باقر مجلسی است، مجموعه‌ای است از قریب به چهار صد کتاب و رساله که در حقیقت یک کتابخانه کوچکی است که با یک اسم نام برده می‌شود، صاحب این کتاب چون دیده‌کتابهای بسیاری از احادیث است که بواسطه کوچکی و گذشتن زمانها از دست می‌رود تمام آن کتابها را بدون آنکه التزام به صحت همه آنها داشته باشد، در یک مجموعه به اسم بحار الانوار فراهم کرده و نخواست کتاب عملی بنویسد یا دستورات و قوانین اسلام را در آنجا جمع کند تا در اطراف آن بررسی کرده و درست را از غیر درست جدا کند. در حقیقت بحار، خزانه همه اخباری است که به پیشوایان اسلام نسبت داده شده، چه درست باشد یا نادرست، در آن کتاب - هائی هست که خود صاحب بحار، آنها را درست نمی‌داند و او نخواست کتاب عملی بنویسد تا کسی اشکال کند که چرا این کتابها را فراهم کردی؟ پس نمی‌توان هر خبری که در بحار است به رخ دیداران گشید که آن خلاف عقل یا حس است، چنانکه نتوان بی جهت اخبار آن را رد کرد که موافق سلیقه ما نیست، بلکه در

ز اسلام اطلاعی نداشتیم

امام خمینی

هر روایتی باید بررسی شود و آنگاه با میزانهایی که علماء در اصول تعیین کردند، عملی بودن یا نبودن آن را اعلان کرد. (۱)

و براساسی امام چه زیبا تعریفی از بحار دارد، و گویا سخنانش را نه تنها برای آن زمان نوشته، بلکه نظر به زمان ما نیز داشته است.

با مطالعه کتاب مرآة العقول علامه، که با کنجکاو و دقت بی نظیری روایتهای "کافی" را تحقیق کرده و درجه صحت و درستی هر حدیث را بررسی نموده است، می توانیم دریابیم که علامه، به تمام معنی علامه است، و تحقیق پیرامون احادیث، از آسانترین کارهای او است ولی قطعاً اگر ایشان می خواستند "بحار الانوار" را با چنین موشکافی و دقت نظری بررسی کنند، عمر نوح هم کفایت نمی کرد، زیرا او نه تنها یک کتاب نویس ساده بود، بلکه گذشته از تالیف و تصنیف، مجلس درسی داشت که برخی از مورخین نوشته اند: گاهی بیش از هزار طلبه در مجلس علامه مجلسی کسب فیض می کرده، علوم اهل بیت را فرا می گرفتند، و تازه این هم یکی از کارهای جزئی او بود، علامه حافظ دین و دنیای مردم و ملجا و پناهگاه یتیمان و بی نوایان، و حلال مشکلات پیچیده و لابنحل مسلمانان، و خلاصه در کوتاه سخن، رهبر و پیشوای مردم بود، حتی در کارهای جزئی ملت نیز دخالت می کرد و گرفتاریهای آنها را برطرف نموده، اختلافاتشان را حل و فصل می نمود.

علامه مجلسی نه یک شخصیت بود، که شخصیتهای گوناگون در شخص او جمع شده بود، او یک نفر بود در برابر هزار نفر (واحد کالاف). و اینچنین اند بزرگان و پیشوایان ما که تاریخ در برابر آن همه عظمت و بزرگواری چاره های جز تعظیم و سرفرواد آوردن ندارد.

علت تألیف بحار از زبان علامه مجلسی:

علامه مجلسی در مقدمه "بحار الانوار" چنین می گوید:

"در ایام جوانی سخت علاقه داشتم به فراگرفتن انواع علوم، و می خواستم از همه فنون بهره ای داشته باشم، به فضل خداوند سبحان موفق شدم و اطلاع بر آن علوم بافتم تا آنکه دامنگیر از علوم گوناگون پرشدم، و گریبانم از بهترین دانشها اشباع گردید، از هر چشمه، جرعمای گوارا نوشیدم و از هر خوانی و خرمیسی لقمهای لذیذ برگرفتم در این میان به نتیجه، دانشها نگران شدم و اغراض دانشمندان را از تحصیل علوم و فنون و تخصص آنها مطالعه کردم، اندیشیدم در آنچه برای روز رستاخیز سودمند است

و وسیله رشد و هدایت انسان است، بملطف پروردگار و الهام خداوندم به این نتیجه رسیدم که اگر علم و دانش از منبع زلالی نچوشد، عطش انسان را بر طرف نمی سازد، و چاره ای نیست جز آنکه از منابع وحی الهام گرفته شود، همچنانکه حکمت وقتی از رهبران دین که عقلای بشریت اند، گرفته نشود گوارا نیست. تمام علوم را در کتاب خدای عزیز - که به هیچ وجه و هیچگاه باطلی به آن راه ندارند - و در اخبار اهل بیت عصمت و طهارت (ع) که خزینه علم و ترجمان وحی مکنون خداوندند یافتیم، و باور کردم که عقول بندگان برای استنباط و درک معانی بلند قرآن کفایت نمی کند و جز پیغمبر و ائمه دین (ع) که خداوند آنها را برگزیده و به یک وحی الهی در خانه آنان فرود آمده است، کسی به آن احاطه کامل پیدا نمی کند، لذا بیکباره ترک گفتم آنچه را که زمانی در راه آموختنش عمر صرف کردم، با اینکه آن علوم در زمان من رائج و مشربیهایش فراوان بودند، به علمی روی آوردم که در سرای دیگر مرا نفع می بخشد با اینکه در این عصر بازار آن کساد و مشتری آن بسیار کم است.

از میان همه علوم، اخبار آل محمد (ع) را برای کار و پیشرفت خود برگزیدم. در آن باره به بحث و تحقیق و مطالعه پرداختم و چنانکه می باید با دقت آنها را از نظر گذراندم، و به اندازه توانائیم، نیروی فکر خویش را به کار گرفتم، به جان خودم سوگند اخبار و آثار خاندان پیغمبر اکرم (ص) را کشتی نجاتی یافتیم که بر است از خوشحبتیها و نیک فرجامیها. به راستی آسانی دیدم مزین به ستارگان فروزان و نجات بخش از تاریکیها و نادانیها. راههای علوم و اخبار اهل بیت عصمت (ع) روشن، و پرچمهای هدایت و رستگاری در آنها برافراشته، و صدای دعوت کنندگان آن برای سعادت و نجات از مهالک در راههای آن شنیده می شود. من در طی طریق به گلزارهای پرگل و بوستانهای سرسبزی رسیدم که با شکوفه های هر علم و میوه های هر حکمتی زینت یافته بود.

اخبار و آثار خاندان پیامبر (ص) از هر علم و فن دیگر جامعتر و کافی تر و کاملتر است، لذا برای تأمین این منظور در شرق و غرب به جستجوی آن کوشیدم و نزد هر کس گمان بردم حدیثی هست برای بدست آوردن آن اصرار ورزیدم. عده ای از برادران دینی من در این راه به من کمک کردند، و برای دریافت احادیث به شهرها سفر نمودند، و به هر نقطه و ناحیه ای که امکان داشت سر زدند، تا آنکه به فضل خداوندی بسیاری از کتب قدیمه و اصول معتبره که در زمانهای گذشته مورد استفاده و استناد علما بوده و دانشمندان ما در زمانهای فترت به آنها رجوع می کردند، در نزد من جمع شد.

چون در آنها دقت نمودم، دیدم مشتمل بر فوائد زیادی است که کتب مشهور و متداول کنونی، خالی از آن است. در میان آنها بر بسیاری از مدارک احکام دین آگاه شدم با اینکه اکثر علماء

اعتراف نمودمانند که کتب موجود از وجود مدرکی که بتواند به تنهایی مأخذ حکم قرار گیرد، خالی است. به همین جهت نهایت سعی و کوشش خود را به عمل آوردم تا آن اخبار و اصول معتبر شیعه را رواج داده و تصحیح کنم و منظم و منقح گردانم، زیرا من می‌بینم که زمان در منتهای فساد، غوطه‌ور است و اکثر اهل زمان هم از آنچه موجب ترقی معنوی آنها است روگردانند، لذا ترسیدم مبادا این کتابها به زودی به همان سرنوشت و فراموشی و هجران سابق خود بازگردند! و بیم آن دارم که بواسطه عدم مساعدت روزگار خیانت پیشه این آثار ذی قیمت، دستخوش تشتت و پراکندگی گردد. (۲)

فهرست بحار الأنوار

- بحار الانوار در ۲۵ جلد بزرگ به چاپ قدیم و ۱۱۰ جلد در چاپ جدید که هر جلدی در حدود ۴۰۰ صفحه و به قطع وزیری است به چاپ رسیده است. این کتاب دارای مطالب زیر است:
- جلد اول: کتاب عقل و جهل، فضیلت علم، حجیت اخبار
- جلد دوم: کتاب توحید، صفات ثبوتیه و سلبیه، عدل.
- جلد سوم: مشیت و اراده، قضا و قدر، هدایت و ضلالت، توبه، فلسفه احکام، مقدمات مرگ، عالم برزخ، قیامت، شفاعت و بهشت و دوزخ.
- جلد چهارم: احتجاجات و مناظرات پیامبر (ص) و ائمه دین (ع) و برخی از دانشمندان.
- جلد پنجم: احوال و تاریخ و داستانهای پیامبران، اثبات عصمت انبیا و پاسخ به اشکالات وارده.
- جلد ششم: درحالات پیامبر اسلام (ص)، شرح حقیقت معجزه، شرح حال برخی از اصحاب پیامبر.
- جلد هفتم: در بیوگرافی ائمه معصومین (ع) و شرح حال آنها، شرایط امامت، مناظرات شیخ مفید و شیخ طوسی و سید مرتضی (ره) در باره امامان.
- جلد هشتم: حوادث پس از وفات پیامبر اکرم (ص) جنگهای اسلامی.
- جلد نهم: شرح حال امیرالمؤمنین (ع)، ایمان ابو طالب و زندگینامه برخی از اصحاب حضرت امیر (ع).
- جلد دهم: در حالات حضرت زهرا (س) و امام حسن و امام حسین (ع).
- جلد یازدهم: زندگینامه امام چهارم، امام پنجم، امام ششم و امام هفتم - علیهم السلام -.
- جلد دوازدهم: شرح حال چهار امام قبل از امام عصر (عج) .
- جلد سیزدهم: شرح حال امام زمان (عج) و اثبات رجعت.
- جلد چهاردهم: آسمان و جهان، فرشتگان، جن و انس، حیوانات، عناصر، خوردنیها و آشامیدنیها و طب النبوی (ص) و طب الرضا (ع).
- جلد پانزدهم: ایمان و کفر و صفات مؤمنین.
- جلد شانزدهم: آداب و سنن، زینتها، تجملات و منتهیات.
- جلد هفدهم: پندها و حکمتها. بقیه در صفحه ۴۸

مقدمه بحار الانوار، بسیار جالب و خواندنی است ولی چون نظر ما بر اختصار است، تنها فزازی از آن را که گویای انگیزه آن بزرگوار در نوشتن این کتاب بود، نقل کردیم، و آنچه می‌توان از این مقدمه یافت در چند جمله کوتاه خلاصه می‌کنیم:

- ۱- کتابهای دانشمندان شیعه، به عللی که شاید یکی از آنها رواج مکتبها و آئینهای منحرف - از جمله تصوف - بود، در معرض تلف شدن و از بین رفتن قرار گرفته بود، و با تلف شدن آنها، قسمت بزرگی از احادیث معصومین (ع) از دسترس مردم خارج می‌شد.
- ۲- رواج مشربیهای فلسفی در زمان علامه، جوانان را به حدیث به سوی فلسفه روانه کرده بود، که رفته رفته اعتماد مردم به حدیث کم می‌شد و در نتیجه، جز یک سری اصطلاحات و واژههای توخالی، چیزی نصیب آنان نمی‌شد. و بدین صورت دین در معرض خطر، واقفان مردم در گردبادی از ابهام و تردید قرار می‌گرفت.
- ۳- کتاب جامعی که حاوی روایات معصومین (ع) در تمام شئون دنیا و آخرت باشد، وجود نداشت، و جای چنین کتابی خالی بود. علامه با بحار الانوارش این کمبود را به بهترین وجهی جبران کرد.

- ۴- چون عمر علامه اکتفا نمی‌کرد که در سند روایات دقت کند و صحت و سقم یک یک آنها را مشخص سازد، لذا تمام راویان احادیث را، بدون کم و زیاد نقل می‌نمود، زیرا با مشخص بودن راویان، دانشمندان می‌توانند درجه صحت حدیث را تعیین کنند. در مقدمه بحار چنین می‌گوید: انسان بوسیله شناخت راویان و خبر دهندگان، به خبر اعتماد و اطمینان پیدا می‌کند، لذا ما تمام اسناد را در هر خبری با رعایت اختصار ذکر نمودیم تا فوائد اصولی فوت نشود و از درجه قبول ساقط نگردد.
- ۵- برای اینکه کتب اربعه به قوت خود باقی باشد و همچنان در دسترس مردم قرار بگیرد، علامه مجلسی روایتهای این چهار کتاب را در بحار نقل نکرده است.

- ۶- بعضی از روایتهای که نیاز به شرح و تفسیر داشته، با بیانی شیوا و قلمی محققانه، به بررسی و تفسیر آنها پرداخته است.



هیبت من الذله

من آفتاب غیرتم ، شب را به آتش می‌گشتم
 با خون سرخم خط بطلان روی سازش می‌گشتم
 من مرد خون و خنجرم شوق شهادت بر سرم
 بار امانت الغرض در این گشاکش می‌گشتم
 بهر وصال یار خود بر شهپر گفتار خمود
 با سوز و ساز سینغام طرح نیایش می‌گشتم

■ ■ ■
 در کربلا من با قیام خود قیامت می‌گشتم

در شط سرخ خون خود غسل شهادت می‌گشتم
 من بنده زر نیستم ، غافل ز محشر نیستم
 زیرا مسلمانم خدا را من عبادت می‌گشتم
 هان من حسینم ای یزیدی دشمن پست و پلید

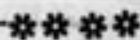
این خیل امت را من از دست تو راحت می‌گشتم
 ■ ■ ■

ای دشمن دین و بشر پایان رسیده کار تو
 با خون خود ویران گشتم بنیاد استکبار تو
 از صفحه دل بر گشتم فریاد مظلومیتهم
 آزاد سازم خلق را از حیطه آزار تو
 ای خصم رب ذوالکین ، از صلح ساز شدیم مزین
 ای ننگ و نفرت باد بر این صلح ذلت بار تو

■ ■ ■
 غلامرضا رحمدل

حجله ای زبرک شقایق

هر سر هر کوچهای زبرک شقایق
 در گذر از قتلگاه عشق چه خوش گشت
 جوشد و گلگون کند کرانه میهن
 از برای جمع صد فوس که رفتند
 معتکف بزم عشق ، شمع شهادت
 باغ سحر مرغزار خرمن نور است
 عارف گلچهره چون به خاک سپارند
 با قلم نور بر قیسوز نوشتند
 حجله نهادند بهر عاشق صادق
 خون شرف ، زینت گلآله عاشق
 چشمه رخشان خون عشق ز مشرق
 زخمه نوازان تار جان خلا یسوق
 شعله بدتن زد گشت جان ز علایق
 چشم شفق چو یار خون شقایق
 مرغ دلش پر کشد بر اوج حقایق
 زنده جاوید باد شاهد لایسوق
 زکریا الحلافی



دنباله: پاسداران بزرگ اسلام

جلد هیجدهم: طهارت و نماز .

جلد نوزدهم: فضائل قرآن ، اعجاز قرآن ، آداب ادعیمو
 شروط آن ، دعا های هفته و ماه و سال ، صحیفه ادریس پیغمبر .

جلد بیستم: زکات ، صدقات ، خمس ، روزه و اعمال سال .

جلد بیست و یکم: حج و عمره و جهاد ، امر به معروف و نهی

از منکر .

جلد بیست و دوم: زیارت‌هایی که از ائمه معصومین (ع) نقل شده است و آداب زیارت .

جلد بیست و سوم: احکام عقود و ایقاعات .

جلد بیست و چهارم: احکام شرعیه تا کتاب دیات .

جلد بیست و پنجم: اجازات .

در باره بحار الانوار آنچه بگویند و بنویسند کم است . مؤلف کتاب خود چنین گوید: " این کتاب ، جامع مقاصد و دارای نکات بی نظیری است که روزگار به خوبی و روشنی آنها نیاورده است و ستارگانی است که از افق غیب درخشیده و چشم بندگان به روشنی و درخشندگی آن ندیده است . . . " ادامه دارد . .

۱ - کشف الاسرار امام خمینی - ص ۲۱۹ .

۲ - دستی از مقدمه بحار الانوار به نقل از کتاب کارنامه علامه مجلسی